

تأثیر و جایگاه میر شمس‌الدین عراقی در منطقه کشمیر^۱

گل آرا داورپناه^۲

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران،

ایران

چکیده

میر شمس‌الدین عراقی از ایرانیانی است که مانند سیدعلی همدانی سال‌ها در کشمیر زندگی کرد. او دوبار به کشمیر سفر کرد. او توانست در عصر سلاطین مسلمان کشمیر، در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری با تلاش و اشتیاق فراوان، منشأ تحولات مهم تاریخی، فرهنگی، اجتماعی در منطقه کشمیر گردد که نتایج آن تا هم‌اکنون آشکار است. او مبلغی با روحیه انقلابی بود که با آشنایی عمیقی که از منطقه کشمیر داشت و با حمایت شخصیت‌های مهم مذهبی چون بابا علی نجار و دولت‌مردان بانفوذی چون ملک موسی رینه و کاجی چک و مریدانش، توانست بخش بزرگی از مردم کشمیر و بلتستان را به طریقه نوریخشیه و مذهب تشیع دعوت کند. در مقاله حاضر ضمن شناساندن شمس‌الدین عراقی که شامل مباحثی است چون نام و نسب و زادگاه و استادان و مذهب و اقدامات عراقی و ...، نقش تأثیرگذار و دستاوردهای او در منطقه کشمیر بررسی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها

میر شمس‌الدین عراقی، کشمیر، اسلام، تشیع، نوریخشیه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۳۰

۲. پست الکترونیک: golara_d@yahoo.com

مقدمه

میر شمس‌الدین عراقی به دلیل معرفی عقاید طریقه نوربخشیه، مذهب تشیع و تأثیرگذاری ماندگار در سیمای تاریخی - اجتماعی کشمیر اهمیت و نقش به‌سزایی دارد.^۱ او در طلب همان جایگاهی بود که سید محمد همدانی و دیگر مبلغان مجاهد در گسترش اسلام در کشمیر داشتند و در این راه تمام توش و توانش را به‌کار بست تا هندوها را به دین اسلام درآورد.^۲ او انقلابی در زندگی فرهنگی و اجتماعی کشمیریان به‌وجود آورد و پس از او بود که سنیان و شیعیان آشکارا به دو گروه متمایز و رقیب تقسیم شدند.^۳

نام، نسب، زادگاه و تاریخ ولادت

محمد، فرزند درویش ابراهیم،^۴ مشهور به میر شمس‌الدین عراقی در ایران در سده نهم هجری متولد شده است. عراقی نامیدن او علّامه عبدالحی را به اشتباه انداخته است و او را یکی از فضلاء عراق به‌شمار آورده است؛^۵ در صورتی که در عهد سلجوقیان، ایالات جبال را که شامل کرمانشاهان، همدان، ری و اصفهان می‌شد، عراق عجم می‌نامیدند تا با عراق عرب اشتباه نشود.^۶

در مورد محل ولادت شمس‌الدین عراقی اختلاف نظر وجود دارد. محل تولد او را قصبه رشت از منطقه گیلان،^۷ طالش عراق^۱ که طایفه‌ای از مردم گیلان‌اند؛ روستای کن یکی

1. Nabi Hadi, *History of Indo-Persian Literature*, New Delhi, Iran Culture House, 2001, p. 228.

2. Parmu, R. K., *A History of Muslim Rule in Kashmir, 1320-1819*, New Delhi, 1969, p.203.

3. Ibid, p.192.

۴. حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، به‌کوشش عابدرضا بیدار، سری‌نگر، کشمیر، بی‌تا، ص ۲۲۲؛ اکرام، سیدمحمد اکرم، آثار الاولیاء، لاهور، پنجاب یونیورسیتی، کلیه علوم اسلامیة و شرقیه، ۱۴۲۱ق، ص ۲۴۹.

۵. عبدالحی بن فخرالدین الحسنی، نزه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر، ج ۴، ج ۱، حیدرآباد دکن، مطبعه مجلس دایرةالمعارف العثمانیه، ۱۳۷۴ق، ص ۲۴۸.

۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ج ۱۵، ۱۳۷۷ش، مدخل عراق عجم.

۷. بلتستانی، غلام‌حسن، «نسخه خطی تحفه الاحباب اثر ملا محمدعلی کشمیری»، دانش، ش ۲۲، تابستان ۱۳۶۹، ص ۱۸۸.

از روستاهای سولغان اراک^۲ و روستای کن از توابع سولغان ذکر کرده‌اند.^۳ با توجه به نام «عراقی»، به نظر می‌رسد قول آخر صحیح باشد زیرا اکنون سولغان بخشی از کن شهرستان تهران است^۴ و در قدیم بخشی از ری و ناحیه عراق عجم به‌شمار می‌رفته است. در اکثر منابع، تاریخ تولد او ذکر نشده است غیر از دو منبع که سال ۸۳۳ق^۵ و سال ۸۴۵ق را ذکر کرده‌اند.^۶ پدر و مادر شمس‌الدین عراقی، سید بوده‌اند. نسب او با چندین واسطه به امام موسی کاظم(ع) می‌رسد^۷ و در کنار نام او از واژه «میر» استفاده می‌شود.

کتاب تحفه الاحباب

خوشبختانه کتاب مستقلی به زبان فارسی با نام *تحفه الاحباب* به قلم ملا محمدعلی کشمیری درباره میر شمس‌الدین عراقی نگاشته شده است. قدیمی‌ترین و کامل‌ترین نسخه‌ی خطی این اثر در کتابخانه شخصی غلام‌حسین بلتستانی نگه‌داری می‌شود.^۸ سه نسخه خطی از این کتاب موجود است: نسخه دانشگاه قائد اعظم اسلام آباد پاکستان که ناقص است. نسخه کتابخانه تحقیق و اشاعت کشمیر که فقط شامل باب چهارم

۱. دوغلات، میرزا محمد حیدر، تاریخ رشیدی، تصحیح عباسقلی غفاری‌فرد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش، ص ۶۲۷.

2. Sufi, G.M.D., *Kashir*, vol. I, Lahore, Pakistan, 1948, p.109.

۳. متو، غلام‌محمد، «نقش میر شمس‌الدین عراقی در ترویج تشیع در کشمیر»، سخن تاریخ، ش ۸، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۷۰.

۴. حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، به‌کوشش عابدرضا بیدار، سری‌نگر، کشمیر، بی‌تا، ص ۲۲۲.

۵. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ج ۱۵، ۱۳۷۷ش، مدخل سولغان.

۶. بلتستانی، غلام‌حسن، «نسخه خطی تحفه الاحباب اثر ملا محمدعلی کشمیری»، دانش، ش ۲۲، تابستان ۱۳۶۹، ص ۱۸۸.

۷. متو، غلام‌محمد، «نقش میر شمس‌الدین عراقی در ترویج تشیع در کشمیر»، سخن تاریخ، ش ۸، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۷۰.

۸. حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، به‌کوشش عابدرضا بیدار، سری‌نگر، کشمیر، بی‌تا، ص ۲۲۲.

۹. بلتستانی، ص ۱۸۳.

کتاب است و نسخه کتابخانه شخصی آقای بلتستانی در ۵۲۴ صفحه که با وجود ایرادات و اشکالات، از نظر قدمت و جامعیت بر سایر نسخه‌های موجود ارجح است.^۱ در منبعی نیز گزارش شده که نسخه منحصر به فردی از این اثر، نزد یکی از بزرگان خاندان شمس‌الدین عراقی به نام آغا سید یوسف موسوی نگهداری می‌شود.^۲ این کتاب سه بار به زبان اردو ترجمه شده است.^۳

تاریخ اتمام نسخه آقای بلتستانی ۱۰۵۰ق است و کاتب آن خطاط معروف کشمیری، ملّا محمدعلی کشمیری است که اتفاقاً همنام مؤلف کتاب است.^۴ کتاب در اواخر حیات محمدعلی کشمیری در زمان حکومت حسین‌شاه چک (۹۷۸-۹۷۱ق) تألیف شده است.^۵ تحفه الاحباب یک مقدمه، چهار باب و شش فصل دارد که حاوی این مطالب است: مقدمه دربرگیرنده وجه تسمیه، سبب تألیف و غیره؛ باب اول شامل مطالبی درباره تولد و سفارت شمس‌الدین؛ باب دوم در مورد سفر اول شمس‌الدین به کشمیر و فعالیت‌های او؛ باب سوم درباره بازگشت به ایران و اقامت در ایران و غیره؛ باب چهارم در خصوص سفر دوم شمس‌الدین به کشمیر، فعالیت‌ها و وفات اوست. کشمیری پس از شنیدن اقوالی درباره افکار و کرامات عراقی و بعد از تأیید پدرش، مولانا جمال‌الدین که در مجالس میر شمس‌الدین عراقی حضور داشته، آن‌ها را برای دیگران نقل می‌کرده و به اصرار دوستانش این کتاب را نوشته است. مؤلف غیر از اقوال با واسطه از میر شمس‌الدین عراقی، از سی و نه منبع استفاده کرده است^۶ و هم‌چنین در کودکی به همراه پدرش در مجالس عراقی شرکت

۱. عطایی، عبدالله، «نقش و جایگاه میرشمس‌الدین عراقی در گسترش تشیع در کشمیر بر اساس تحفه

الاحباب»، ویژه‌نامه فرهنگستان (شبه قاره)، ش ۱، سال اول، فروردین ۱۳۹۲، ص ۲۳۶.

۲. حیدری کاشمیری، همان.

۳. عطایی، ص ۲۳۷.

۴. بلتستانی، ص ۱۸۳.

۵. عطایی، ص ۲۲۹.

۶. بلتستانی، غلام‌حسن، «نسخه خطی تحفه الاحباب اثر ملا محمدعلی کشمیری»، دانش، ش ۲۲، تابستان

۱۳۶۹، ص ۱۸۴.

می‌کرده و شاهد برخی فعالیت‌های او بوده است.^۱

مذهب عراقی

پژوهشگران در خصوص مذهب عراقی اختلاف نظر دارند. عده‌ای او را شیعه دانسته‌اند. گروهی او را مبلغ تشیع و نوربخشیه هر دو می‌دانند. برخی هم وی را صرفاً مبلغ نوربخشیه به‌شمار می‌آورند که در تحفه الاحباب نیز نظر گروه اخیر تأیید شده است.^۲ البته باید در نظر داشت که طریقه‌ی نوربخشیه در ایران بیشتر از نوع تصوف بوده اما در کشمیر و بعضی بلاد هند ظاهراً بیشتر نوعی فرقه مذهبی تلقی می‌شده است.^۳ میرزا حیدر دوغلات به تفاوت عقاید نوربخشیه بدخشان و کشمیر اشاره کرده است.^۴ در هر صورت پیوند عراقی با طریقه نوربخشیه مسلم است. نوربخشیه، شاخه‌ای شیعی از سلسله کبروی است که بنیان‌گذار آن سید محمدبن محمدبن عبدالله نوربخش (۷۹۵-۸۶۹ق) گاه و بیگاه دعوی مهدویت می‌کرد. این طریقه از نظر ارائه حرکتی با جوهر شیعی - صوفیانه با رنگ مهدویت پشتتاز بود.^۵ از سوی دیگر از آن‌جا که مزار عراقی در درگیری‌های شیعه و سنی بارها توسط سنیان مورد هتک حرمت قرار گرفت، این احتمال قوت می‌گیرد که حتی اگر او به‌راستی مبلغ تشیع در کشمیر نبوده، اما کمک کرده که راه برای پذیرش و رواج این مذهب هموار شود.^۶

استادان عراقی

در خصوص استادان میر شمس‌الدین عراقی، احتمال دارد که او محضر سید محمد

۱. عطایی، عبدالله، «نقش و جایگاه میرشمس‌الدین عراقی در گسترش تشیع در کشمیر بر اساس تحفه الاحباب»، ویژه‌نامه فرهنگستان (شبه قاره)، ش ۱، سال اول، فروردین ۱۳۹۲، ص ۲۳۴.

۲. بلتستانی، ص ۱۸۷؛ Parmu, R. K., A History of Muslim Rule in Kashmir, 1320-1819, New Delhi, 1969, p.202.

۳. زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵.

۴. دوغلات، میرزا محمد حیدر، تاریخ رشیدی، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش، ص ۲۲۷؛ Parmu, R. K., p.194.

5. Algar, H., "Nurbakhshiyya", *The Encyclopedia of Islam*, vol.VIII, E.J. Brill, Leiden 1995, p.134.

6. Parmu, R. K., p.203.

نوربخش را درک کرده باشد چراکه در شرح حال مؤسس نوربخشیه آمده است که وی بعد از وفات شاهرخ میرزا (۸۵۰ق) به ری رفت و در قریه‌ی سولقان سکونت گزید و در همان‌جا درگذشت^۱ و همان‌طور که یاد شد سولقان به احتمال زیاد محل تولد شمس‌الدین عراقی است. به هر روی، در برخی منابع، عراقی را شاگرد سید محمد نوربخش می‌دانند.^۲ عراقی از اوان جوانی هم‌صحبتی با مریدان سید محمد نور بخش را برگزید و بخشی از عمرش را در خدمت کسانی چون شیخ محمد سمرقندی، شیخ محمود بحرآبادی، شیخ محمد سفلی، شمس‌الدین اسیری لاهیجی و شاه قاسم فیض‌بخش و غیره سپری کرد.

پیوند عراقی با شاه قاسم فیض‌بخش

یکی از پسران سید محمد نوربخش، به نام شاه قاسم فیض‌بخش، لقب «شمس‌الدین» را به عراقی اعطا کرد.^۳ شاه قاسم فیض‌بخش بعد از فوت پدرش به خراسان رفت و در هرات از تکریم و حمایت سلطان حسین بایقرا (۸۷۹-۹۱۲ق)، برخوردار گشت.^۴ شمس‌الدین عراقی نیز به هرات آمد. در مجموع میر شمس‌الدین عراقی از سوی سلطان حسین میرزا و با مشورت شاه قاسم انوار دو بار به سفارت برگزیده شد. بار نخست برای کسب اطلاع به عراق اعزام شد تا از چند و چون شایعه‌ی حمله‌ی سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۳-۸۹۶ق) به خراسان باخبر شود و بار دوم با نامه و هدایا راهی کشمیر شد.^۵

سفر به کشمیر

او دو بار رهسپار کشمیر شد. بار نخست در سال ۸۸۲ق به‌عنوان نماینده‌ی سلطان حسین

۱. زرین کوب، عبدالحسین، *ذنباله جستجو در تصوف ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵.

2. Nabi Hadi, *History of Indo-Persian Literature*, New Delhi, Iran Culture House, 2001, p.228.

۳. بلتستانی، غلام‌حسن، «نسخه خطی تحفه‌الاحباب اثر ملا محمدعلی کشمیری»، *دانش*، ش ۲۲، تابستان ۱۳۶۹، ص ۱۸۸.

۴. زرین کوب، ص ۱۸۶.

۵. عطایی، عبدالله، «نقش و جایگاه میرشمس‌الدین عراقی در گسترش تشیع در کشمیر بر اساس تحفه الاحباب»، *ویژه‌نامه فرهنگستان (شبه قاره)*، ش ۱، سال اول، فروردین ۱۳۹۲، ص ۲۳۲.

میرزا، حکمران تیموری هرات، به دربار سلطان کشمیر، حسن‌شاه (د ۸۸۹ق) فرستاده شد و بار دوم به‌عنوان مبلغ مستقل مذهبی، به این دیار سفر کرد.^۱ در سفر دوم او به کشمیر، محمدشاه (د ۹۴۴ق) فرزند حسن‌شاه، برای بار دوم بر تخت نشسته بود.^۲ اغلب مورخان تاریخ کشمیر که غالباً سنی مذهب‌اند، شمس‌الدین عراقی را به‌عنوان یکی از عوامل دامن زدن به تعصبات مذهبی و اختلافات سیاسی معرفی می‌کنند و انتساب عراقی به سید محمد نوربخش را افترای محض می‌دانند.^۳ با وجود این، کهویهامی او را یکی از فضیلت‌های اهل تشیع، عالم اجل و دانای بی‌بدل می‌خواند^۴ و محمداعظم دیده‌مری می‌نویسد که زبانی و بیانی داشت و بعضی علوم غریبه می‌دانست.^۵

سفر اول

شمس‌الدین عراقی در سفر اول خود به کشمیر، از جانب سلطان حسین میرزا مکتوبی با یک پوستین کیش از لباس خاص سلطان برای حسن‌شاه به ارمغان آورد و برخی تحفه‌ها و نفایس کشمیر را برای سلطان حسین میرزا طلب کرد. در این ایام حسن‌شاه مریض بود و به همان بیماری نیز درگذشت. بعد از فوت حسن‌شاه بر سر جانشینی او بین پسرانش فتح‌شاه و محمدشاه نزاعی خونین درگرفت و هر بار یکی از این دو شاهزاده بر تخت سلطنت جلوس می‌کرد. از این جهت شمس عراقی توانست به مدت هشت سال در کشمیر توقف کند. او در نظر داشت که از این هرج و مرج به نفع خویش بهره جوید و امرای کشمیر را با خود همراه سازد ولی با وجود شیخ اسماعیل‌بن شیخ فتح‌الله معروف به بابا

1. Nabi Hadi, p.228;

حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، به‌کوشش عابدرضا بیدار، سری‌نگر، کشمیر، بی‌تا، ص ۲۲۲.

۲. کهویهامی، غلام‌حسن، تاریخ حسن، ج ۱، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، ص ۳۳۵.

۳. دیده‌مری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، تهران، (شم ۶۱۶۸)، ۸۷ پ. سیدعلی، تاریخ کشمیر (تاریخ سیدعلی)، جی کی بک شاپ، کشمیر، بی‌تا، ص ۳۱؛ کهویهامی، غلام‌حسن، تاریخ حسن، ج ۱، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، ص ۴۳۱.

۴. کهویهامی، ج ۱، ص ۴۳۰.

۵. دیده‌مری، ۸۷ ر.

اسماعیل که خود و پدرش در بین مردم نفوذ و اعتبار فراوان داشتند و شیخ‌الاسلام وقت بودند، نتوانست فعالیت گسترده‌ای داشته باشد. از این رو به ظاهر و بر تقیه در سلک مریدان بابا اسماعیل درآمد و حیثیتی حاصل کرد و در باطن بابا علی نجار یکی از خلفای برجسته بابا اسماعیل را به مذهب خود ترغیب می‌کرد. شمس عراقی در این هشت سال در خانقاه بابا اسماعیل ساکن بود. اقتدار بابا اسماعیل به قدری بود که شمس عراقی تنها توانست در میان دولتیان نفوذ کند و بعد از هشت سال در سال ۸۹۰ق در زمان سلطنت فتح‌شاه به خراسان بازگشت.^۱

اقامت او در هرات کوتاه بود چراکه شاه قاسم فیض‌بخش از حمایت و توجه سلطان حسین بایقرا بی‌نصیب گشته و به ری نقل مکان کرده بود زیرا با قدرت گرفتن امیر علیشیر نوایی بار دیگر خواجه احرار و نقشبندیان در هرات جان تازه‌ای یافته بودند و موقعیت شاه قاسم فیض‌بخش و نوربخشیان در هرات ضعیف گشته بود. از این رو، شمس‌الدین عراقی نیز راهی ری شد.^۲

سفر دوم

عراقی بعد از ۱۲ سال، در سال ۹۰۲ق به راهنمایی شاه قاسم فیض‌بخش، به‌عنوان مبلغ مذهبی، با قافله بزرگی از درویشان و اعضای خاندانش راهی کشمیر شد. پیش از این سفر، به او خبر رسیده بود که بابا اسماعیل به دلیل کهولت سن، دامن از صحبت خلق برچیده و به جای او باباعلی نجار خلیفه شده است. از این رو عراقی نامه‌ای به باباعلی نوشت که من این بار به‌عنوان خلیفه سید محمد نوربخش قصد ارشاد و سفر دارم. باباعلی نجار و جمعی از صوفیان به استقبال او رفتند. باباعلی، شمس عراقی را در خانقاه خود نشانید و از روی

۱. دیده‌مری، ۷۶ ر. کهویهامی، ج ۱، ص ۴۳۱، کهویهامی، ج ۲، صص ۲۱۱-۲۱۲، سیدعلی، صص ۲۸-۳۰.

حیدری کاشمیری، ص ۲۲۲؛ Parmu, 197.

۲. عطایی، عبدالله، «نقش و جایگاه میرشمس‌الدین عراقی در گسترش تشیع در کشمیر بر اساس تحفه الاحباب»، ویژه‌نامه فرهنگستان (شبه قاره)، ش ۱، سال اول، فروردین ۱۳۹۲، ص ۲۳۱.

اعتقاد و ارادت، مریدان خود را نزد او می‌فرستاد.^۱ بنابراین، عراقی در سفر دوم خود، آشکارتر و جدی‌تر تلاشش را مصروف دعوت مردم به مذهبش کرد و توانست افراد متنفدی از طایفه چک را به مذهب خود درآورد و به پشتگرمی چنین افرادی آشکارا به تبلیغ مذهب خود مشغول شود.^۲ هرچند به نظر برخی، شمس عراقی مذهب خود را به‌طور کامل در زمان اسماعیل شاه فرزند محمدشاه آشکار کرد^۳ و تشیع را به تدریج رواج داد زیرا تا وقتی محمدشاه زنده بود هیچ کس جرأت نداشت مذهب تشیع را آشکارا رواج دهد. بعدها در زمان باباخلیل و باباطالب و شیخ حسن جدی‌بلی این مذهب شیوع یافت و در حکومت چکان قوت پیدا کرد.^۴

حمایت امرای چک

در زمانی که اختلافات امرا و سرداران بر سر جانشینی حسن‌شاه به اوج خود رسیده بود. در این میان بعضی از امرای چک که از ملازمان سلاطین کشمیر بودند، به شمس عراقی ارادت پیدا کرده و مذهب او را قبول کردند. از این رو اختلافات مذهبی نیز به اختلافات امرا افزوده شد.^۵

طایفه چک به شجاعت و سپاهی‌گری شهرت داشتند و به دو گروه بخش می‌شدند. قوم لنگرچک که پاندوچک، حسین‌چک و کاجی‌چک از احفاد او بودند و به پیروی از شمس عراقی مذهب تشیع اختیار نمودند. قوم شمس‌چک و احفادش که بر مذهب حنفی راسخ ماندند. این دو گروه همواره با یکدیگر مخالفت و رقابت داشتند. چکان در تاریخ

۱. Nabi Hadi, p.228؛ حیدری کاشمیری، صص ۲۲۲-۲۲۳؛ سیدعلی، ص ۳۱؛ دیده‌مری، ۸۷ ر، پ؛

کھویه‌امی، ج ۱، صص ۴۳۰-۴۳۱.

۲. کھویه‌امی، غلام‌حسن، تاریخ حسن، ج ۱، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، ص ۴۳۱؛ عبدالحمی بن فخرالدین الحسنی، نزہة الخواطر و بهجہ المسامع و النواظر، ج ۴، چ ۱، حیدرآباد دکن، مطبعہ مجلس دایرةالمعارف العثمانیہ، ۱۳۷۴ق، ص ۱۴۲.

۳. سیدعلی، تاریخ کشمیر (تاریخ سیدعلی)، جی کی بک شاپ، کشمیر، بی‌تا، ص ۳۳.

۴. دیده‌مری، ۸۷ پ؛ کھویه‌امی، ج ۱، صص ۴۳۱-۴۳۲.

۵. دیده‌مری، ۷۷ ر؛ کھویه‌امی، ج ۲، صص ۲۱۲.

کشمیر بعد از راجگان و سلاطین کشمیر، نزدیک به سی و دو سال (۹۶۲-۹۹۴ق) فرمان‌روایی کردند.^۱

حمایت بابا علی نجار

در گرایش امرا به شمس عراقی، سعی و ترغیب باباعلی قابل ذکر است. اعقاب باباعلی نیز نقش مؤثری در ترویج مذهب عراقی در محله‌ی حسن‌آباد داشتند و همهٔ باباهای حسن‌آباد و بابا پوره و غیره از اولاد باباعلی مذکورند.^۲

نحوهٔ آشنایی امرای چک با شمس عراقی به این صورت بود که در آن ایام رسم بر این بود که ارباب دولت قبل از شروع هر کاری از خلیفهٔ خانقاه فاتحه می‌گرفتند. روزی غازی‌چک و غازی‌خان قصد شکار داشتند و برای فاتحه گرفتن نزد باباعلی آمدند و دیدند که خلیفه پیش شمس عراقی به ادب نشست است. باباعلی از آن‌ها خواست نخست شمس عراقی را زانو‌بوسی کنند چراکه او خلیفه‌ی سید محمد نوربخش است و منصب سفارت حاکم خراسان را ترک گفته و صاحب سجاده گشته است. با درگذشت بابا اسماعیل بازار شمس عراقی در بین مردم نیز گرم‌تر شد.^۳

خانقاه جدی‌بل و حمایت ملک موسی رینه

در آن ایام خانقاه نشان میزان اقتدار و نفوذ شیخ آن خانقاه بود. خانقاه‌های مهم آن زمان یکی خانقاه بلبل‌شاه (د ۷۲۷ق) بود که اولین خانقاهی است که در کشمیر ساخته شده و یکی هم خانقاه معلی بود؛^۴ بنابراین شمس عراقی قصد کرد خانقاهی دو طبقه در محلهٔ جدی‌بل بسازد اما قبل از آن به فکر بازسازی خانقاه معلی افتاد و هر بار که کاجی‌چک و غازی‌خان نزد او می‌رفتند به آن‌ها می‌گفت که خانقاه معلی یک طبقه است باید ویران شود و در دو طبقه بازسازی شود. سرانجام غازی‌چک، موسی رینه و کاجی‌چک که در دربار

۱. کهویهای، ج ۲، صص ۲۱۶-۲۱۸.

۲. دیده‌مری، ۸۸ پ؛ کهویهای، ج ۱، ص ۴۳۱.

۳. سیدعلی، تاریخ کشمیر (تاریخ سیدعلی)، جی کی بک شاپ، کشمیر، بی‌تا، ص ۳۱.

۴. کهویهای، ج ۱، صص ۳۱۶-۳۲۴.

محمدشاه بانفوذ بودند اجازه تخریب خانقاه را گرفتند اما هر بار بازسازی به تعویق می‌افتاد. صالح ماجی خواهر کاجی چک که همسر محمدشاه و از مریدان بابا اسماعیل بود به غیرت آمد و با هزینه شخصی خود خانقاه معلی را در دو طبقه بازسازی کرد. برخی براین باورند که تعلل در بازسازی خانقاه از این جهت بود که عراقی در نظر داشت خانقاه خود در جدی‌بل مرجع شود و رونق گیرد.^۱

عراقی با کمک ملک موسی رینه در منطقه خوش آب و هوای جدی‌بل در حومه سری‌نگر، خانقاهی بنا کرد که سنگ بنایش در سال ۹۰۲ق گذاشته شد. ملک موسی رینه برای ساخت خانقاه جدی‌بل، بخشی از زمین‌ها، باغ‌ها و زیورآلات خود را هزینه کرد و در مدت ساخت خانقاه، عراقی و خانواده‌اش در خانه ملک موسی اقامت داشتند.^۲

اسامی تعدادی از مهم‌ترین صوفیانی که به رهبری میر شمس‌الدین در خانقاه جدی‌بل حضور داشتند عبارت است از: مولانا جمال‌الدین، پدر مؤلف تحفه الاحباب، مولانا سلمان، مولانا عثمان، مولانا سیف، ملا عبدالرحمن، مولانا کمال، مولانا جنید، مولانا زیرک، مولانا بابا شمس گنائی، مولانا حاجی بایزید، مولانا خلیل‌الله، مولانا میرحسین، مولانا حضرت بابا علی، ملا درویش قاضی محمد قدسی، مولانا سید احمد، مولانا سعید، مولانا سعد الله، ملا جوهر، ملا محمد امام، خواجه رفیق، مولانا سید افضل، مولانا حافظ محمد کیانی، مولانا ملا حسن عودی، ملا دلو صوفی، مولانا حاجی علی، صوفی جمال، تاج‌الدین خادم، مولانا محمد گنائی، مولانا ناصر، مولانا حافظ بصیر، مولانا امیر سید بدلا. در تحفه الاحباب درباره فعالیت‌های این صوفیان گزارش مبسوطی ارائه شده است.^۳ برای مثال درویشان تازه وارد بایستی تمام شب در خانقاه عبادت می‌کردند سپس بخش‌هایی از کتاب‌های غزالی، بسطامی و جنید برای ایشان خوانده می‌شد. مؤلف تحفه الاحباب با استناد به سخن ملا حسن عودی، درویش و موسیقی‌دان، می‌نویسد که در خانقاه نوربخشیه، صوفیان و درویشان مجالس سماع برگزار می‌کردند و آن را سنت رسول اکرم می‌دانستند. این محافل وجد و سماع در

۱. دیده‌مری، ۸۸ ر؛ کهویهامی، ج ۱، صص ۳۳۶-۳۳۵؛ سیدعلی، صص ۳۲-۳۳.

۲. حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، به‌کوشش عابدرضا بیدار، سری‌نگر،

کشمیر، بی‌تا، صص ۲۲۴-۲۲۵.

۳. همان، ص ۲۲۸.

خانقاه جدی‌بل بعد از وفات میر شمس‌الدین عراقی، توسط پسرش میر دانیال و باباعلی برپا می‌شد.^۱

تبعید عراقی به بلتستان و تبعات آن

در زمان محمدشاه قدرت در دست سادات بیهقی بود و هنگام ساخت خانقاه جدی‌بل، سید محمد بیهقی منصب وزارت را در دست داشت.^۲ او از قدرت گرفتن شمس‌الدین عراقی می‌ترسید پس او را به اسکردو اخراج نمود.^۳ به این ترتیب ساخت خانقاه نیمه‌کاره ماند و عراقی به همراه ۶۰ درویش به تبت یعنی لداخ (بلتستان) سفر کرد و در آنجا به تبلیغ و گسترش دین اسلام پرداخت.^۴

بلتستان در منطقه‌ای کوهستانی بر فلات مرتفع لداخ در شرق کشمیر قرار دارد. مرکز این منطقه، اسکردو است.^۵ این منطقه را در عهد باستان تبت می‌خواندند با گذشت زمان برای تشخیص آن از تبت اصلی و مشهور، آن را تبت کوچک^۶ یا تبت خرد نامیدند.^۷ میر شمس‌الدین عراقی مذهب تشیع را از کشمیر به بلتستان آورد. صوفیان نوربخشیه هنوز در شرق بلتستان حضور دارند. سایر بلتی‌ها، به‌ویژه در ناحیهٔ اسکردو عمدتاً شیعه‌اند.^۸

میر شمس‌الدین در سال ۹۰۷ق پیش از عزیمت به تبت خرد، باباعلی را در مراسم خاصی نایب و خلیفه خود معرفی کرد. مشهور است که در این مراسم، عمامه سیاه خود را با طاقیهٔ سرخ بر سر او قرار داد و فرمود که این تاج کرامت است که حضرت سلیمان بر سر

۱. همان، ص ۲۲۹.

۲. کهویهامی، غلام‌حسن، تاریخ حسن، ج ۲، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، ص ۲۲۰.

۳. همان، ص ۲۲۱.

۴. حیدری کاشمیری، ص ۲۲۵.

5. Skardu, Ladaks, Baltistan.

۶. امین، پرویز، «بلتستان»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، تهران، ۱۳۸۳ش، ص ۴۵۵.

۷. کهویهامی، غلام‌حسن، تاریخ حسن، ج ۱، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، ص ۲۱۸.

۸. معتمدی، سپیده، «بلتستان»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، تهران، ۱۳۷۷ش، ص ۱.

هدهد نهاد و عمامه بابا را بر سر خود گذاشت و اجازه داد با مریدان بیعت کند.^۱ درباره مدت اقامت عراقی در بلتستان اختلاف نظر وجود دارد از دو ماه تا پنج سال و شش سال. طبق *تحفه الاحباب* در اوایل ۹۱۱ق به بلتستان رسید و در پاییز همان سال یعنی حدود شش ماه بعد از آنجا به کشمیر بازگشت.^۲

در پی اخراج عراقی، موسی رینه از سید محمد بیهقی دلگیر شد و با یاری امرایی چون ابراهیم ماگری و حاجی پدر، با نامه نگاری فتحشاه را برای آمدن به کشمیر ترغیب کرد. با آمدن فتحشاه جنگی درگرفت. در این جنگ محمدشاه مغلوب شد و گریخت و سید محمد بیهقی کشته شد. فتحشاه برای بار دوم بر تخت نشست و منصب وزارت به ملک موسی رینه رسید. او در پیروی از شمس‌الدین عراقی به جان کوشید و مذهب تشیع را رواج داد. او هم‌چنین در از بین بردن فرقه هنود و بتخانه‌های آنان و اخذ جزیه بسیار کوشید به طوری که گویند ۲۴ هزار خانواده از هنود، شیعه شدند. مدت وزارت موسی رینه نه سال (۹۱۱-۹۲۰ق) بود.^۳

وقتی ملک موسی رینه در سال ۹۰۷ق به وزارت رسید. در پی آن عراقی با عزت و احترام به کشمیر بازگشت. ساخت خانقاه از سرگرفته شد و در ۹۱۰ق به اتمام رسید. عراقی این خانقاه باشکوه را «خانقاه نوربخشیه» نامید. قاضی محمد قدسی به سفارش میر شمس‌الدین، مثنوی «سلسله الذهب» را در ۴۹ بیت سرود که در آن اسامی مشایخ و اولیاء، توسط ملا ولی گنائی و ملا حاجی گنائی بر دیوارهای خانقاه کتیبه نگاری شد. گزارش مفصلی درباره این خانقاه در *تحفه الاحباب* ثبت شده است. برای مثال از سه دروازه به نام‌های: باب الطریقت، باب الشریعت و باب السلام به خانقاه وارد می‌شدند. زائران، خانقاه را مانند مسجدالحرام طواف می‌کردند و در آن نماز می‌گزاردند زیرا عراقی اظهار کرده بود که

۱. حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، به کوشش عابد رضا بیدار، سری‌نگر، کشمیر، بی‌تا، ص ۲۳۰.

۲. بلتستانی، غلام‌حسن، «نسخه خطی تحفه الاحباب اثر ملا محمدعلی کشمیری»، دانش، ش ۲۲، تابستان ۱۳۶۹، ص ۱۸۷.

۳. کهویهامی، غلام‌حسن، تاریخ حسن، ج ۲، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، صص ۲۲۰-۲۲۳.

هر مؤمن مخلص که این خانقاه را زیارت کند گویی حج گزارده است. عراقی در سمت چپ باب الطریقت با سلاطین و امرا و عوام دیدار می‌کرد.^۱

بت شکنی عراقی

شمس‌الدین عراقی در آغاز به‌ویژه در زمان شیخ اسماعیل کبروی خود را یکی از مروّجان دین اسلام معرفی می‌کرد که در آن ایام همراه با شعار «بت شکنی» بود.^۲ منظور از بت شکنی در آن ایام، تخریب عبادتگاه‌های هند است که مسلمانان آن را بت‌خانه یا صنم‌خانه می‌نامیدند.^۳ تاریخ ورود اسلام به منطقهٔ کشمیر برمی‌گردد به پایان استقلال راجگان هند و آغاز دوره‌ای که به عهد سلاطین کشمیر مشهور است. سلطان سکندر معروف به «بت شکن» نقش مهمی در تقویت اسلام و تضعیف برهمنان و فرقهٔ هندو ایفا کرد و با تلاش‌های میرسیدعلی همدانی و میرمحمد همدانی نزدیک به پنج قرن سلاطین مسلمان حکومت کردند و مذهب هندو سستی پذیرفت.^۴

شمس عراقی نیز مانند سلطان سکندر به بت‌شکنی معروف گردید. برای مثال، در سال ۹۱۳ق در منطقهٔ زال‌دگر، سری‌نگر، در جنگی علیه کفار این منطقه شرکت کرد و مانند سپاهی کارآزموده جنگید. در این نبرد علاوه بر درویشان، افرادی چون ملک موسی رینه، ملک علی رینه، میر سید بدلا، قاضی محمد قدسی و مولانا جمال‌الدین پدر مؤلف کتاب *تحفه الاحباب* او را همراهی می‌کردند. قاضی محمد قدسی که شاعر هم بود با تأثیرپذیری از نبرد زال‌دگر، مثنوی طویلی سرود که در *تحفه الاحباب* ثبت شده است. عراقی به دلیل همین کوشش‌های چشم‌گیر در اشاعهٔ اسلام، «بت‌شکن» و «مکسرالاصنام» لقب گرفت.^۵ شاعری به نام تحسین کشمیری در قرن دوازدهم هجری، در دیوان غزلیات و قصاید خود با

۱. حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، به‌کوشش عابدرضا بیدار، سری‌نگر، کشمیر، بی‌تا، صص ۲۲۶-۲۲۷.

۲. دیده‌مری، محمد اعظم، *واقعات کشمیر*، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، تهران، (شم ۶۱۶۸)، ۸۷ ر.

۳. دوغلات، میرزا محمد حیدر، *تاریخ رشیدی*، تصحیح عباسقلی غفاری‌فرد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش، صص ۶۲۱-۶۲۲.

۴. کهویهای، غلام‌حسن، *تاریخ حسن*، ج ۱، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، صص ۳۲۸-۳۲۹.

۵. حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، صص ۲۲۱-۲۲۳.

نام گلشن/ذهان، از نیای خود میر شمس‌الدین عراقی این‌گونه یاد می‌کند: میر شمس‌الدین عراقی بت شکن/ هست جد آن جناب و جد من.^۱

شمس‌الدین عراقی برای انجام دادن این خدمات غیر از داشتن روحیه انقلابی، مریدان جان برکف، تبحر در اقناع مخاطب، آشنایی عمیق با منطقه کشمیر، از حمایت دولتمردان و افراد بانفوذ نیز برخوردار بود که او را در این راه یاری می‌دادند. با سخت‌کوشی و اشتیاق میر شمس‌الدین، بخش بزرگی از مردم بومی ناحیه کشمیر و پیرامون آن، دین خود را تغییر دادند. آنچه میر شمس‌الدین عراقی و یارانش را متمایز می‌ساخت این بود که اینان مانند دیگر صوفیان و درویشان کشمیر زندگی خود را فقط به تجرید و تفرید نمی‌گذراندند؛ گرچه به شیوه فقرا زندگی می‌کردند، فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی نیز داشتند.^۲

بازسازی خانقاه سیدعلی همدانی

از دیگر اقدامات عراقی، بازسازی و وسعت بخشیدن به خانقاه کوچک میر سیدعلی همدانی است که در تاریخ ۷۹۶ق در عهد سلطان سکندر به دست سیدمحمد همدانی، فرزند سیدعلی همدانی بنا شده بود. سلطان محمدشاه با فرمانی تولیت خانقاه را بر عهده عراقی قرار داد و عراقی در کنار این خانقاه محلی برای اطعام درویشان، صوفیان و غیره احداث کرد. عراقی در دوره سرپرستی خانقاه، گروهی از درویشان را به سرکردگی مولانا حاجی شمس در خانقاه همدانیه مقیم کرده بود و طبق آیین تصوف به آنان خرقة کبود و عمامه سیاه تفویض می‌کرد.^۳

کتاب فقه احوط

در تحفه الاحباب به هیچ اثر و تصنیفی از شمس‌الدین عراقی اشاره نشده است اما به اثری

۱. منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۸، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۶ش، ص ۱۰۸۲.

۲. حیدری کاشمیری، ص ۲۲۱. Nabi Hadi, 228-229.

۳. حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، ص ۲۲۴.

از پسر او، میردانیال به نام تعریف نامه درویشان اشاره شده است.^۱ در انتساب کتاب فقه آحوط به میرشمس‌الدین اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر این باورند که سید محمد نوربخش کتاب فقه آحوط را به زبان عربی نوشت و میر شمس‌الدین آن را ترجمه کرد.^۲ پارمو، نویسنده کتاب را خواجه اسحاق ختلائی می‌داند که پیر و مرشد سید محمد نوربخش بوده است.^۳ برخی نیز معتقدند که کتاب را شمس‌الدین عراقی نگاشته است.^۴ مسائل فقهی این کتاب با مسائل فقهی کتب اهل سنت و شیعه امامیه مطابقت ندارد.^۵ قدر مسلم این است که این رساله در کشمیر دستاویز مخالفت فقهای حنفی واقع شد و در بعضی موارد رنگ تشیع در آن پیدا است.^۶

وفات عراقی

در مورد چگونگی مرگ میرشمس‌الدین عراقی که شهید شده یا به مرگ طبیعی جان سپرده، اختلاف نظر وجود دارد. میر شمس‌الدین در سوم رمضان سال ۹۳۲ق درگذشت. ماده تاریخ وفات او «یا هادی المصل» است. او را در خانقاه جدی‌بل به خاک سپردند.^۷

حمایت کاجی چک و تبعات آن

وقتی اسماعیل شاه فرزند محمدشاه و داماد کاجی چک بر تخت نشست. عاریتاً نام سلطان داشت و زمام امور را به کاجی چک سپرد و چکان دوباره قدرت گرفتند.^۸ کاجی چک در

۱. بلتستانی، غلام‌حسن، «نسخه خطی تحفه الاحباب اثر ملا محمدعلی کشمیری»، دانش، ش ۲۲، تابستان ۱۳۶۹، ص ۱۸۸.

2. Nabi Hadi, *History of Indo-Persian Literature*, Iran Culture House, New Delhi, 2001, p.229.

3. Parmu, R. K., *A History of Muslim Rule in Kashmir, 1320-1819*, New Delhi, 1969, p.193.

۴. عبدالحی، ص ۱۴۲؛ کوهیهای، ج ۱، ص ۴۳۱؛ سیدعلی، ص ۳۳؛ Algar, p.136.

۵. عبدالحی، ص ۱۴۲؛ دوغلات، صص ۶۲۷-۶۲۸.

۶. زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶.

۷. حیدری کشمیری، ص ۲۳۰.

۸. کوهیهای، غلام‌حسن، تاریخ حسن، ج ۲، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، ص ۲۴۴.

ترویج تشیع کوشید و تعصب مذهبی در زمان او افزایش یافت.^۱ به یاری او عراقی در خانقاه جدی‌بل قدرت گرفت و بسیاری از مردم را وارد مذهب خود ساخت. در دوره سلطنت ابراهیم‌شاه بن اسماعیل‌شاه نیز زمام امور مملکت در دست کاجی‌چک بود و تا تسلط یافتن میرزا حیدر کاشغری بر کشمیر، غلبه با مذهب تشیع بود. ماگریان، چکان، چادوریان و ملکان که در آن زمان از اربابان قدرت به‌شمار می‌آمدند در امور مملکتی با یکدیگر درگیری داشتند. ابدال ماگری و ریگی‌چک که سنی مذهب و ناراضی بودند، فرزندان خود را به امید اصلاح مذهب و فرستادن لشکر نزد همایون‌شاه به هند فرستادند. در آن‌جا از غلبه پیروان شمس عراقی و شیوع مذهب تشیع سخن گفتند و کتاب *فقه احوط* را عرضه کردند تا علمای هند درباره آن نظر دهند. میرزا حیدر یکی از ملازمان همایون‌شاه با اجازه شاه به کشمیر لشکرکشی کرد.^۲

فتح کشمیر توسط میرزا حیدر کاشغری و تبعات آن

میرزا حیدر کاشغری در سال ۹۴۷ق وارد کشمیر شد و زمام امور را به ملک ابدال ماگری سپرد و کاجی‌چک بزرگترین حامی خاندان شمس عراقی را کشت. از آن پس در طایفه چکان تفرقه افتاد. با ورود میرزا حیدر مذهب تسنن در این منطقه غلبه یافت.^۳ میرزا حیدر در سال ۹۴۷ق از خانقاه شمس عراقی دیدار کرد و آن را طواف کرد اما بعدها در سال ۹۵۴ق به منظور استحکام حکومت خود خانقاه را به آتش کشید. آثار خانقاه هنوز هم باقی است.^۴ میرزا حیدر در سال ۹۵۵ق اعیان و عوام را بر تاراج شیعه دلیر کرد. خانه‌های شیعیان را غارت کردند. خانقاه جدی‌بل را به آتش کشیدند. جسد عراقی را درآوردند و آتش زدند و مزارش را مزبله اهل شهر ساختند. بسیاری از اعیان شیعه و پیروان عراقی را کشتند و

۱. دیده‌مری، محمد اعظم، *واقعات کشمیر*، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، تهران، (شم ۶۱۶۸)، ۹۱ پ.

۲. دیده‌مری، ۹۲؛ کھویه‌امی، ج ۲، صص ۲۴۸-۲۴۶؛ نک. دوغلات، صص ۶۸۷-۶۹۳؛ نک. دوغلات، صص ۶۲۷-۶۲۸.

۳. سیدعلی، صص ۳۳-۳۴؛ دوغلات، ص ۶۲۹؛ Algar, p.136.

۴. حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، ص ۲۳۰.

میردانیال پسر عراقی را که در اسکردو تبلیغ مذهب می‌کرد، حبس کردند و به فتوای قاضیان در سال ۹۵۷ق کشتند و اجازه ندادند در شهر دفن شود.^۱

میرزا حیدر طریقهٔ نوربخشیه و سلسله همدانیه را به کلی معدوم ساخت. قریب هشت سال هیچ‌کس نمی‌توانست اظهار مذهب کند و غیر از مذهب حنفی تمام مذاهب تضعیف شدند.^۲

حکومت چکان و تبعات آن

این وضعیت تا قدرت گرفتن دوباره‌ی چکان ادامه داشت. وقتی سلطان اسماعیل ثانی پسر ابراهیم شاه در ۹۵۸ق به کمک دولت‌چک به سلطنت رسید. دولت‌چک مذهب تشیع، رسوم سلسلهٔ همدانیه و آداب نوربخشیه را زنده کرد. خانقاه جدی‌بل را آباد ساخت. جسد میر دانیال را در مقبره عراقی به خاک سپرد. در حسن‌آباد برای باباحسن بن باباعلی نجار خانقاهی وسیع ساخت و جسد باباعلی را در آن‌جا دفن کرد. املاک اطراف آن را به باباحسن بخشید و آن منطقه را به حسن‌آباد موسوم ساخت. به خطیبان مساجد نیز دستور داد نام‌های دوازده امام را در خطبه بخوانند.^۳

پس از انقراض سلسله سلاطین در کشمیر، چکان به پادشاهی رسیدند. چکان با سستی گرفتن حکومت سلاطین که با نزاع محمدشاه و فتح‌شاه بر سر جانشینی حسن‌شاه آغاز شد و به سبب وصلت با خاندان سلاطین به تدریج به مرتبهٔ وزارت و مشارکت در امور حکومتی دست یافتند. با بر تخت نشستن غازی‌خان پسر کاجی‌چک در سال ۹۶۲ق حکومت چکان آغاز شد. او مذهب شیعه را رواج کلی داد.^۴ بعد از او یعقوب‌خان پسر یوسف‌خان در ۹۹۳ق بر تخت نشست.^۵ به فرمان او در مساجد کشمیر گفتن «علی ولی الله» به اذان اضافه شد. بر اثر سیاست‌های او در ترویج تشیع و تعذیب و تخریب دیگر مذاهب،

۱. کهویهای، ج ۲، صص ۲۵۴-۲۵۵ به نقل از بهارستان شاهی بدون ذکر مشخصات؛ سیدعلی، صص ۳۴-۳۵؛ دیده‌مری، ۹۳ ر.

۲. کهویهای، ج ۲، ص ۲۶۸ به نقل از بهارستان شاهی بدون ذکر مشخصات.

۳. کهویهای، غلام‌حسن، تاریخ حسن، ج ۲، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، صص ۲۶۷-۲۶۸.

۴. همان، صص ۲۷۲-۲۷۳.

۵. همان، ص ۳۲۷.

جمعی از اکابر و امرای نامدار کشمیر عهدنامه‌ای نوشتند و نزد اکبرشاه رفتند و او را برای تسخیر کشمیر ترغیب نمودند. با تسخیر کشمیر، تعصب مذهبی شدت گرفت. خانقاه جدی‌بل را آتش زدند و به مزار عراقی هتک حرمت کردند و شیعیان را آزرندند. با سقوط دولت چکان، شاهان چغتاییه بر ممالک هندوستان و کشمیر تسلط یافتند.^۱

عاقبت نوربخشیهٔ کشمیر

هیچ مدرکی مبنی بر وجود نوربخشیه در کشمیر بعد از قرن یازدهم هجری نداریم. با سقوط دولت چکان که حامی اصلی نوربخشیه بودند و با روی کار آمدن حاکمان مغول در کشمیر در عهد اکبر، جهانگیر و شاه‌جهان، بازماندگان نوربخشیه که از سیاست‌های میرزا حیدر دوغلات جان سالم به‌در برده بودند به احتمال قوی در جمعیت شیعیان ادغام شده بودند و آنانی که تغییر مذهب ندادند به بلتستان رفتند که مرکز تجمع نوربخشیه گشته بود. گزارشاتی از شاخه بلتستانی نوربخشیه در دست است. نوربخشیه در بلتستان توسط شمس‌الدین عراقی معرفی شد و بعد از او توسط دو پسرش میرمختار و میر یحیی محبوبیت یافت.^۲

در شورش‌هایی که در سرینگر رخ می‌داد، مزار شمس‌الدین عراقی بارها توسط سنیان مورد هتک حرمت قرار گرفت. سرانجام آرامگاه او به مکان امن‌تری در «چادور»^۳ منتقل شد.^۴

نوربخشیه در بلتستان که منطقهٔ دورافتاده‌تری بود، بیشتر دوام آورد. پیروان نوربخشیه با نام «کلانچه»^۵ در قرن دوازده هجری قدرت را به‌دست گرفتند به‌طوری‌که بنا به گزارش سفرنامه‌نویسان، تا اواخر نیمه دوم قرن سیزدهم هجری، یک سوم جمعیت بلتستان

۱. کھویه‌امی، غلام‌حسن، تاریخ حسن، ج ۲، سری‌نگر، ۱۹۵۴م، صص ۳۲۹-۳۳۴؛ دیده‌میری، ۱۱۶، ۱۱۷ ر.

2. Parmu, R. K., *A History of Muslim Rule in Kashmir, 1320-1819*, New Delhi, 1969, pp.195, 202.

3. Chadur

4. Sufi, G.M.D., *Kashir, Volume I*, Lahore, Pakistan, 1948, p. 111. Algar, H., "Nurbakhshiyya", *The Encyclopedia of Islam*, Vo VIII, E.J. Brill, Leiden 1995, p.136.

5. Keluncheh

نوربخشی بودند، کتاب *فقه احوط خوانده* می‌شد و مزار میرمختار و میر یحیی، دو فرزند شمس‌الدین عراقی، در کیریس^۱ و شیگر^۲، مرجع زیارت‌کنندگان بود.^۳

نتیجه

میر شمس‌الدین عراقی شخصیت تأثیرگذار مذهبی، عرفانی و سیاسی در منطقه کشمیر است که در قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری می‌زیسته است و مانند سید محمد همدانی نقش مؤثری در گسترش اسلام به‌ویژه مذهب تشیع و طریقهٔ نوربخشیه داشته است. او از طریق حمایت معنوی باباعلی نجار از حمایت سیاست‌مداران متنفذ خاندان چک برخوردار گشت که مهم‌ترین آن‌ها ملک موسی رینه به او در ساخت خانقاه معروف جدی‌بل کمک کرد تا توانست شاگردان زیادی در آن‌جا پرورش دهد. آنچه میر شمس‌الدین عراقی و پیروانش را از دیگر درویشان کشمیر متمایز می‌سازد این است که اینان زندگی خود را فقط به تجرید و انزوا نمی‌گذراندند و در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی حضور فعال و مؤثری داشتند.

منابع

- اکرام، سیدمحمد اکرم، *آثار الاولیاء*، لاهور، پنجاب یونیورسٹی، کلیه علوم اسلامیہ و شرقیہ، ۱۴۲۱ق.
- بلتستانی، غلام‌حسن، «نسخه خطی تحفه الاحباب اثر ملا محمدعلی کشمیری»، *دانش*، ش ۲۲، تابستان ۱۳۶۹.
- حیدری کاشمیری، اکبر، «تحفه الاحباب»، تصوف بر صغیر مین، به‌کوشش عابدرضا بیدار، سری‌نگر، کشمیر، بی‌تا.
- معتمدی، سپیده، «بلتستان»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۴، تهران، ۱۳۷۷ش.
- امین، پرویز، «بلتستان»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۲، تهران، ۱۳۸۳ش.
- دوغلات، میرزا محمد حیدر، *تاریخ رشیدی*، تصحیح عباسقلی غفاری‌فرد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، ج ۱۵، ۱۳۷۷ش.
- دیده‌میری، محمد اعظم، *واقعات کشمیر*، نسخه خطی کتابخانهٔ ملی ملک، تهران، (شم ۶۱۶۸).
- زرین کوب، عبدالحسین، *دنباله جستجو در تصوف ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.

1. Kiris
2. Shigar
3. Algar, p.136.

- سیدعلی، تاریخ کشمیر (تاریخ سیدعلی)، جی کی بک شاپ، کشمیر، بی تا.
- عبدالحی بن فخرالدین الحسنی، نزهه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر، ج ۴، ج ۱، حیدرآباد دکن، مطبعه مجلس دایرةالمعارف العثمانیه، ۱۳۷۴ق.
- عطایی، عبدالله، «نقش و جایگاه میرشمس‌الدین عراقی در گسترش تشیع در کشمیر بر اساس تحفه الاحباب»، ویژه‌نامه فرهنگستان (شبه قاره)، ش ۱، سال اول، فروردین ۱۳۹۲.
- کهویهامی، غلام‌حسن، تاریخ حسن، سری‌نگر، ۱۹۵۴م.
- متو (گلزار)، غلام‌محمد، «نقش میر شمس‌الدین عراقی در ترویج تشیع در کشمیر»، سخن تاریخ، ش ۸، زمستان ۱۳۸۹.
- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۸، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۶ش.
- Algar, H., "Nurbakhshiyya", *The Encyclopedia of Islam*, vol.VIII, E.J. Brill, Leiden, 1995.
- Nabi Hadi, *History of Indo-Persian Literature*, Iran Culture House, New Delhi, 2001.
- Parmu, R. K., *A History of Muslim Rule in Kashmir, 1320-1819*, New Delhi, 1969.
- Sufi, G.M.D., *Kashir*, Volume I, Lahore, Pakistan, 1948.